

چه بسا گفته شود تمام این روایاتی که ذکر شد، ناظر بر مجهول بودن عقد است نه مخاطره آمیز بودن آن و لذا به موجب آن هر عقدی که نظیر بیمه متضمن جهالت باشد، فاسد خواهد بود؛ لکن باید گفت که /ولا به اعتقاد برخی از فقهاء (مانند حضرت امام خمینی) این روایات صرفاً حاکی از مضر بودن جهالت در خصوص عقد بیع است و جملات تعلیلیه اگرچه دلالت بر عمومیت دارند اما این عمومیت بالنسبه‌ی روایات مذکور صرفاً پیرامون انواع بیع و خرید و فروش خواهد بود و دلیلی بر تعدی از بیع به سایر عقود وجود ندارد. ثانیاً بر فرضی که جهالت در هر عقدی موجب فساد باشد (کما اینکه تعدی از بیع بعید به نظر نمی‌رسد)، در قراردادهای بیمه آنچه که مورد معاوضه قرار می‌گیرد در حقیقت حق بیمه و تعهد طرف مقابل هست که هردو معلوم بوده و جهالت بالنسبه‌ی آن صغری ندارد. به عبارت دیگر از آنجا که نفس عهده‌دار شدن یک نفر به جبران خسارات احتمالی و آرامش خاطر و امنیت روانی پیدا کردن در ازای این تعهد، در میان عقلاء ارزش مالی دارد و عرف برای دستیابی به آن پول پرداخت می‌کند (مثل اینکه عقلاء برای خرید بلیت هواپیمایی که قابل استرداد است، وجه بیشتری پرداخت می‌کنند هرچند ممکن است نوعاً استرداد هم صورت نگیرد)، معاوضه‌ی حق بیمه معین و معلوم در قبال این تعهد که حدود و ثغور آن کاملاً مشخص است، هیچ گونه ابهام و جهالتی ندارد تا براساس مفسد بودن جهالت، حکم به بطلان آن گردد، کما اینکه نامعلوم بودن اصل وقوع حادثه و میزان خسارت و تردید در عملی شدن آن تعهد، مستلزم مجهول بودن نفس تعهد و طرفین معاوضه نمی‌شود.

دلیل چهارم ← قرارداد بیمه مصداق اکل مال به باطل است.

تردیدی وجود ندارد که از یک سو مطابق با آیه‌ی شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ﴾^۱ هرگونه قرارداد و توافقی که مصداق تملک مال بدون وجه و دارا شدن بی‌جهت باشد، باطل است^۲؛ و از سوی دیگر در قراردادهای بیمه، عموماً حادثه‌ای برای بیمه‌گذار رخ نمی‌دهد و خسارتی برای آنان به بار نمی‌آید تا نوبت به ارائه خدمات از سوی شرکت‌های بیمه برسد و دریافت حق بیمه از جانب بیمه‌گر در ازای جبران آن خسارات باشد. بنابراین نوعاً قراردادهای بیمه مصداق اکل مال به باطل بوده و تبعاً باطل خواهد بود.

به نظر می‌رسد قرارداد بیمه از نگاه عرف و عقلاء مصداق اکل مال به باطل نباشد، زیرا حق بیمه در حقیقت در ازای متعهد بودن بیمه‌گر به جبران خسارات می‌باشد که بیمه‌گر هم پایبند به تعهد خود و ملتزم بدان بوده و بنا به تدارک خسارت‌ها داشته است و لذا حتی اگر حادثه‌ای هم رخ ندهد، بیمه‌گر وظیفه‌ی خود را انجام داده و بالتبع مستحق حق بیمه خواهد بود، همچنان که وقتی خانه‌ای اجاره داده می‌شود، عاجز شدن مستأجر از استیفاء منافع آن خانه و بهره‌مند شدن از منافع آن، موجب اکل مال به باطل بودن دریافت اجاره‌ها نمی‌شود.

اگر گفته شود که اکل مال به باطل نه ناظر به باطل عقلانی، بلکه مربوط به باطل شرعی است، یعنی هر قراردادی که با تأیید شریعت نرسیده باشد، دریافت مال به ازای آن قرارداد حرام خواهد بود، پس از آنجا که دلیلی بر مشروعیت قرارداد بیمه وجود ندارد، دریافت حق بیمه توسط بیمه‌گر حرام می‌باشد؛ باید گفت که این ادعا در صورتی تمام است که آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» را ناظر بر خصوص عقودهای

^۱ نساء ۲۹

^۲ با توجه ب اینکه بسیاری از عقود معین مانند اجاره و صلح و هبة تجارت نیست، طبعاً تجارت مد نظر آیه نمی‌تواند ناظر بر تجارت اصطلاحی باشد، بلکه به معنای هر نوع توافقی است که طرفین آن راضی باشند.

صحیح و یا یک قضیه‌ی خارجی و ناظر به خصوص عقدهای رایج در عصر نبوی بدانیم تا دلیلی بر مشروعیت قرارداد بیمه وجود نداشته باشد، درحالی که بنابر نظر صحیح آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» یک قضیه حقیقیه است و حکم به صحت و لازم الاجراء بودن تمام عقود عقلانی می‌کند و لذا باتوجه به اینکه عقلاء به حسب نیازهای خود اقدام به انعقاد قرارداد بیمه کرده‌اند و این قرارداد به موجب آیه محکوم به مشروعیت است، دریافت مال در ازای آن آکل مال به باطل نخواهد بود.

تخریج هفتم ← بیمه یک نوع عقد ضمان است.

به ذهن می‌رسد که نزدیک‌ترین عقد معین به إنشاء بیمه، عقد ضمان باشد که به موجب آن بیمه‌گر مسئولیت‌ها و خسارت‌هایی که در طول یکسال متوجه بیمه‌گذار است را برعهده گرفته و در ازای این اقدام مبلغ معینی را دریافت می‌کند. بدیهی است به جهت اینکه هنگام انعقاد قرارداد بیمه مسئولیت و خسارتی متوجه بیمه‌گذار نیست تا اشتغال ذمه‌ی او به موجب ضمان به ذمه‌ی بیمه‌گر منتقل گردد و این رویه با بطلان ضمان ما لم یجب مواجه خواهد بود، بیمه می‌تواند ضمان ضم الذمه باشد که به موجب آن ذمه‌ی بیمه‌گر در طول ذمه‌ی بیمه‌گذار در صورت بروز خسارت مشغول گردد و قرینه‌ی این ضمان طولی آن است که در صورت وقوع حادثه و بروز خسارت بیمه‌گذار می‌تواند بدون ارجاع دادن خسارت دیده به بیمه‌گر، خود متکفل پرداخت خسارت‌ها شود.